

ویکتور ترنر / ادیث ترنر

کتاب انسان شناخت

رویکرد فرآیندی به فرهنگ

نظریه انسان شناختی ویکتور ترنر

گردآوری و ویراستاری:

جبار رحمانی؛ موسی الرضا غربی



انتشارات



انتشارات تيسا

www.teesa.pub

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و پنهان داند به یک سان

عنوان و نام پدیدآور : رویکرد فرایندی به فرهنگ: نظریه انسان‌شناختی ویکتور ترنر /
ویراستاران: ویکتور ترنر، ادوارد برونر؛ گردآورندگان: جبار
رحمانی، موسی‌الرضا غربی؛ مترجمان: مریم آقازاده، رضا
اسکندری، محمد رسولی، بهروز روستاخیز، محمد زرقی، حسین
عبدالملکی، موسی‌الرضا غربی، حسین قدرتی، سمیه کاظمی،
بهنام لطفی خاچکی

مشخصات نشر : تهران: تیسرا ساغر مهر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۲۸۲ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵.

فروست : کتاب انسان‌شناخت؛ ۲۳.

شابک : ۶۹۹۰۰۰ ریال؛ 978-600-8942-23-8

وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا

یادداشت : مترجمان: مریم آقازاده، رضا اسکندری، محمد رسولی، بهروز
روستاخیز، محمد زرقی، حسین عبدالملکی، موسی‌الرضا غربی،
حسین قدرتی، سمیه کاظمی، بهنام لطفی خاچکی

عنوان دیگر : نظریه انسان‌شناختی ویکتور ترنر.

موضوع : انسان‌شناسی — فلسفه Anthropology -- Philosophy

موضوع : انسان‌شناسی — روش‌شناسی Anthropology--Methodology

موضوع : انسان‌شناسی نمادین Symbolic Anthropology

موضوع : علوم انسانی — روش‌شناسی Humanities -- Methodology

موضوع : تجربه Experience

شناسه افزوده : ترنر، ویکتور ویتور (Turner, Victor W)، ۱۹۲۰ - ۱۹۸۳ م، ویراستار

شناسه افزوده : برونر، ادوارد ام. (Bruner, Edward M)، ویراستار

شناسه افزوده : رحمانی، جبار، ۱۳۵۹ - گردآورنده

شناسه افزوده : غربی، موسی‌الرضا، ۱۳۶۷ - گردآورنده

رده‌بندی کنگره : ۱۴۰۰ ۹ ر/۳۴۵ GN

رده‌بندی دیوبی : ۳۰۶/۰۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۷۶۱۷۵

انتشارات تپسا منتشر کرده است:

- از انعطاف‌پذیری تا شورش، تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی، پائول آرتز و همکاران
- ایران و امریکا؛ گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی، سید حسین موسویان
- آموزش‌های نو حقوق و روابط بین‌الملل، مهدی ذاکریان
- بازی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، رحمن قهرمانپور
- اعتدال در اندیشه و رفتار سیاسی، سید محمدامین قائمی‌راد
- اجتماع محلی، حکومت محلی
- پیچیدگی سیاست در ایران، سید ولی موسوی‌نژاد
- تصویر، صدا، سیاست؛ تأثیر رسانه‌های جدید بر فضای سیاسی ایران، عباس سهراب‌زاده
- تمدن ایرانی - اسلامی از افول تا احیا، شعیب بهمن
- جابه‌جایی دو انقلاب؛ چرخش‌های امر دینی در جامعه ایرانی، مهدی نجف‌زاده
- درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین‌الملل، الهام رسولی ثانی‌آبادی
- دیوان اروپایی حقوق بشر و حق بر حریم خصوصی، محمدحسن مسجدی
- راهبرد تأمین منابع مالی احزاب سیاسی در ایران، حسینعلی تقی‌نهرانی
- روایت بحران هسته‌ای ایران؛ ناگفته‌های یک دیپلمات، سید حسین موسویان
- رهایی یا انقیاد؛ فلسفه سیاسی تکنولوژی اطلاعات در قرن بیستم، روح‌الله اسلامی
- سیاه، سفید خاکستری؛ واقعیت‌های سیاسی ساخته می‌شوند؟، محمدرضا تاجیک
- قابلیت‌های کلیدی برای بهبود حکمرانی محلی؛ مفاهیم و استراتژی‌ها
- قدرت اطلاعات؛ تأثیر اطلاعات بر نظریه توسعه، عبدالرسول دیوسالار
- متون کلیدی حقوق و روابط بین‌الملل، مهدی ذاکریان
- محاکم کیفری بین‌المللی، مهدی ذاکریان
- معلم‌های نادان؛ رؤیت‌پذیری و آگاه‌سازی امر تروماتیک، محمدرضا تاجیک
- میشل فوکو: زهد زیبایی‌شناسانه به مثابه گفت‌وگو، عارف دانیالی

ویکتور ترنر / ادیث ترنر

کتاب انسان شناخت

رویکرد فرآیندی به فرهنگ

نظریه انسان شناختی ویکتور ترنر

گردآوری و ویراستاری:

جبار رحمانی «استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی»

موسی الرضا غربی «دکترای انسان شناسی دانشگاه تهران»

مترجمان: مریم آقازاده، رضا اسکندری، محمد رسولی

بهروز روستاخیز، محمد زرقی، حسین عبدالملکی، موسی الرضا غربی

حسین قدرتی، سمیه کاظمی، بهنام لطفی خاچکی



انتشارات تیس

رویکرد فرایندی به فرهنگ؛ نظریه انسان‌شناختی ویکتور ترنر

نویسندگان: ویکتور ترنر، ادیث ترنر

گردآوری و ویرایش: جبار رحمانی، موسی‌الرضا غربی
مترجمان: مریم افازاده، رضا اسکندری، محمد رسولی، بهروز روستاخیز، محمد
زرقی، حسین عبدالملکی، موسی‌الرضا غربی، حسین قدردتی، سمیه
کاظمی، بهنام لطفی خاچکی

چاپ یکم: بهار ۱۴۰۰

شماره نشر: ۳۳۱

ویراستار: حورا اشجعی

صفحه‌آرا: سیمین حیدری

لیتوگرافی: یسنا، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۶۹۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۲-۲۳-۸

«کتاب‌ها دنیای خود را دارند.»



iteesa



iteesa



telegram.me/iteesa

• انتشارات تیسسا ساغر مهر

تهران، خیابان بهارستان، کوچه شمیرانی، کوچه صدر شیرازی، پلاک ۲۱، طبقه ۵

www.Teesa.ir | ITeesa@mail.com

تلفن : ۷۷۶۰۲۸۹۵ ، ۷۷۶۰۲۸۹۹

همه حقوق مادی و معنوی این کتاب طبق قرارداد برای ناشر و مترجمان محفوظ است. هرگونه چاپ و تکثیر این کتاب به صورت کلی و یا بخشی از آن، به صورت کاغذی، الکترونیک و صوتی، بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و غیرقانونی است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

استفاده از مطالب تا ۱۰۰۰ کلمه با ذکر منبع بدون اشکال است.

نسخه الکترونیکی این اثر در وبسایت www.ketabrah.ir قابل خرید است.

این اثر با اهداف انسان‌دوستانه برای استفاده نابینایان به رایگان در اختیار مرکز نابینایان رودکی (کشور) قرار داده شده است.

پیشگفتار.....	۱۱
بخش یکم: تحلیل فرایند محور.....	۲۵
فصل یکم: جماعت‌واره، مدل و فرایند.....	۲۷
ویکتور ترنر / ترجمهٔ مریم آقا زاده	
فصل دوم: جماعت‌واره و آستانگی: اشکال و مشخصه‌های مناسک گذار.....	۶۷
ویکتور ترنر / ترجمهٔ محمد رسولی	
فصل سوم: جنبه‌های آیینی کنترل تضاد در جوامع کوچک آفریقایی.....	۱۱۵
ویکتور ترنر / ترجمهٔ موسی‌الرضا غربی، بهروز روستاخیز	
بخش دوم: اجرا و تجربه.....	۱۲۹
فصل چهارم: انسان‌شناسی اجرا.....	۱۳۱
ویکتور ترنر / ترجمهٔ سمیه کاظمی	
فصل پنجم: تجربه و اجرا به‌سوی انسان‌شناسی فرایندی نوین.....	۱۷۹
ویکتور ترنر / ترجمهٔ رضا اسکندری	
فصل ششم: دیوبی، ديلتای و درام مقاله‌ای دربارهٔ انسان‌شناسی تجربه.....	۲۱۳
ویکتور ترنر / ترجمهٔ حسین عبدالملکی	
فصل هفتم: اجرای مردم‌نگاری.....	۲۳۱
ویکتور و ادیث ترنر / ترجمهٔ بهنام لطفی خاچکی	

فصل هشتم: بدن، مغز و فرهنگ ۲۶۱

ویکتور ترنر / ترجمه حسین قدرتی

فصل نهم: کتاب شناسی آثار ویکتور ترنر (۱۹۷۵-۱۹۵۲) ۲۷۵

گردآوری و ترجمه: محمد زرقی

پیشگفتار

ویکتور ترنر (۱۹۸۳-۱۹۲۰) یکی از چهره‌های درخشان انسان‌شناسی در قرن بیستم است. انسان‌شناسی او خلاقانه و مبتکرانه است و مطالعه آن شیرین، جذاب، آموزنده و درعین حال به علت دانش گسترده‌اش پیچیده است. ترنر پیش از آشنایی با انسان‌شناسی، ادبیات کلاسیک خوانده بود که همین پیشینه او نیز خود را در انسان‌شناسی و رویکرد دراماتیک و شاعرانه‌اش نشان می‌دهد.

او با کتاب *بلوغ در ساموآ* اثر مارگارت مید و کتاب *جزایر آندامان* اثر رادکلیف براون با انسان‌شناسی آشنا می‌شود و آن‌چنان‌که همسرش اظهار می‌دارد، بعد از مطالعه این دو اثر روبه انسان‌شناسی می‌آورد. کوشش‌های انسان‌شناختی او در فضایی آغاز شد که گفتمان نظم و تجانس از خلال رویکردهای کارکردگرا و ساختارگرا خود را به عنوان گفتمان غالب در انسان‌شناسی مطرح کرده بود. ترنر در این فضا تربیت یافته، با چنین ذهنیتی برای کسب اولین تجربه مردم‌نگارانه پا به جامعه آفریقایی ندنبو در زامبیا می‌گذارد. همین تجربه مردم‌نگارانه و داده‌ها و یافته‌ها حاصل از آن بود که زیرساخت‌ها و دست‌مایه‌های تجربی نظریه‌پردازی‌های بعدی او را فراهم آورد. او در رساله دکتری‌اش که زیر نظر ماکس گلاکمن^۱ انسان‌شناس شهیر مکتب

1. Max gluckman

کارکردگرا منچستر انجام شد، آیین‌های ندمبو را به مثابه عناصری در حل تعارضات روستایی بررسی می‌کند؛ اما چنان‌که خود ترنر بیان می‌کند، تجربه میدانی او در میان ندمبوها ذهنیت کارکردگرا و نظم‌گرای او را با چالشی جدی روبه‌رو می‌کند.

او جامعه ندمبو را جامعه‌ای پرتنش همراه با جهان‌های ثابت و متغیر شناخت؛ لذا او از پایبندی به رویکردی که در تحلیل فرهنگ و جامعه واقعیت اجتماعی را چونان یک کل یکپارچه و منسجم در نظر می‌گرفت، احساس سرخوردگی کرده، ساز نوعی انسان‌شناسی آزاد را کوک کرد. آزاد از قیدوبندها و قفل‌هایی که رویکردهای کارکردگرا و ساختارگرا را به اندیشه و عمل انسان‌شناس زده و او را وادار به تحمیل نظریه بر میدان می‌کنند، همین سرخوردگی‌ها و تردیدها در جریان غالب انسان‌شناسی موجب برجسته شدن سهم ترنر در تاریخ نظریه‌پردازی انسان‌شناسی شده است.

ترنر برخلاف جریان غالب نظری که جامعه را به مثابه موجودی شبیه به ارگانیسم در نظر می‌گرفت، بر آن بود که جامعه را همانند یک فرایند درک کند. درواقع ترنر نسبت به رویکردهای موجود قائل به سیالت بیشتری در جریان درک واقعیت اجتماعی بود؛ چنان‌که جان گراهام^۱ بیان می‌کند که ترنر تلاش می‌کرد، نشان دهد که واقعاً چگونه جامعه توسط اعضای آن زیست می‌شود و چگونه واحدهای نمادین، میدان‌های اجتماعی و ژانرهای زیباشناختی، معنا و احساسات را ساخته و پرداخته و تغییر می‌دهند؟

ترنر برای مطالعه فرایند محور جامعه ملهم از تحلیل وان جنپ^۲ از آیین گذار،^۳ مفهوم درام اجتماعی را که تبدیل به یکی از کلیدواژه‌های انسان‌شناسی او نیز می‌شود، صورت‌بندی و مطرح کرد. تأکید ترنر بر مفهوم درام اجتماعی، اهمیت مفهوم اجرا و نمایش را در اندیشه اجتماعی او نشان می‌دهد. تمرکز ترنر بر بُعد دراماتیک جامعه، اندیشه‌های گافمن را در نظریه نمایش به ذهن

1. John graham

2. Van gennep

3. Rites of passage

متبادر می‌کند. گافمن جهان اجتماعی را همچون صحنه نمایش در نظر می‌گرفت. ترنر درام اجتماعی را مجموعه‌ای از ساختارها و ضدساختارها، نظم‌ها و بی‌نظم‌ها در نظر می‌گیرد. در جریان این درام، نظم اجتماعی به هم خورده و پس از چرخه‌ای خاص دوباره احیا می‌شود. ترنر در شرح مفهوم درام اجتماعی از چهار مرحله گسست، بحران، جبران و پیوست سخن به میان می‌آورد. او در بحث از مرحله جبران به طرح مفاهیم مهم و تأثیرگذاری مانند آستانگی^۱ و جماعت‌واره^۲ می‌پردازد.

آستانگی در اندیشه ترنر اشاره به لحظاتی از تجربه فرهنگی دارد که عمدتاً حالت خودانگیخته دارد و فاقد ساختار و سازمان‌یافتگی محکمی است. این لحظات که عمدتاً در زمینه‌های آیینی رخ می‌دهد، فرد را در حالت گذار از جایگاه قبلی‌اش به جایگاه بعدی قرار می‌دهد. فرد در لحظات آستانگی در حالت تعلیق به سر می‌برد. او نه به جایگاه قبلی تعلق دارد و نه به جایگاه بعدی. درواقع او در برزخ میان این دو قرار دارد. ترنر گروه درگیر در لحظات آستانگی را با عنوان جماعت‌واره تعریف می‌کند. وی برای روشن کردن مفهوم جماعت‌واره از دو مدل روابط اجتماعی سخن به میان می‌آورد. اولین مدل، جامعه‌ای ساختارمند، تمایز یافته و سلسله‌مراتبی است. دومین مدل، مشتمل بر اجتماعی بدون ساختار، بدون تمایز، برابر و همسان، همراه با تواضع و فروتنی میان افراد است.

مراد ترنر از جماعت‌واره همان مدل دوم است؛ هرچند ترنر آستانگی را حالتی گذرا مطرح کرده است، با این حال از صورت‌های اجتماعی به نسبت پایدار و باثبات که دربرگیرنده روح آستانگی هستند، نیز سخن به میان آورده است. از جمله این صورت‌های اجتماعی می‌توان به زندگی راهبان، کشیشان، دلکان درباری، هیپی‌ها و غربت‌ها اشاره کرد؛ همچنین، باید توجه کرد که آستانگی مفهومی پرکاربرد است و صرفاً برای تحلیل سیستم‌های فولکلوریک و غیرشهری کاربرد ندارد؛ بلکه در سطحی وسیع‌تر برای پدیده‌هایی بسیار متفاوت

1. Liminality

2. Communitas

و متنوع ازجمله پدیده‌های سیاسی، مانند انتخابات و تظاهرات سیاسی، پلاژها و تفرجگاه‌های ساحلی و خرده‌فرهنگ‌های متنوع جوانان و تجارب بیماری و غیره نیز مصداق دارد.

ترنر در آخرین آثار خود تلاش کرد، مفهوم آستانگی در میدان‌ها و موضوعات دیگر را نیز بررسی و ارزیابی کند. ازجمله مهم‌ترین این موضوعات، مفهوم زیارت است. ویکتور ترنر در طول دهه هفتاد، کار میدانی خود درباره زیارت را در مکزیک و ایرلند انجام داد. ترنر سفرهای زیارتی را به‌عنوان نهادهای اجتماعی خاصی که تجلی جماعت‌واره هستند، در نظر می‌گیرد.

دستاورد و مشارکت مهم دیگر ترنر در انسان‌شناسی، پرداخت جدی به موضوع نماد و معانی آن در زمینه‌های آیینی است. توجه کردن به معنای آیین و نمادهای درگیر در آن از ورای کارکرد و سودمندی آن نیز ازجمله دروسی است که ترنر از حضور در جامعه ندنبو می‌گیرد. او در این باره می‌نویسد: «از ندنبوها یاد گرفتم که آیین و نمادهای آن صرفاً باز نمودی از فرایندهای اجتماعی و روان‌شناختی عمیق‌تر نیستند؛ بلکه واجد ارزش‌های هستی‌شناسانه هستند».

او آیین و نماد را به‌مثابه فرایندهایی در نظر می‌گیرد که ابعاد فردی و جمعی جامعه را کاملاً در خود درگیر می‌کنند. ترنر دریافت که همه آیین‌های ندنبو همراه با نمادهای کلیدی خاصی سازمان یافته‌اند. وی نماد را یک واحد ذخیره یا واحد اساسی یا مولکول رفتار آیینی تعریف کرده است و خاطرنشان می‌کند که نماد، کوچک‌ترین واحد ساخت ویژه در نظام آیینی مردم ندنبو است. ترنر در برخی از آثار خود به موضوع نمادها می‌پردازد که مهم‌ترین آن کتاب چنگل نمادها است.

او در این کتاب روش‌شناسی خاص خود را در مطالعه آیین مطرح می‌کند. ترنر ویژگی‌های سه‌گانه‌ای بر نمادهای آیینی شناسایی می‌کند: (۱) تراکم^۱ معنایی، این ویژگی به توانایی آیین‌ها در ارائه و بازنمایی مسائل و اعمال زیادی در یک شکل واحد اشاره می‌کند؛ (۲) وحدت دلالت‌های مجزا،^۲ این ایده که

1. Condensation

2. Unification of disparate significata

مقوله‌ها (دسته‌بندی‌ها) و اقدامات (واکنش‌های) بسیار متفاوت، اغلب باهم در یک نماد دارای مشترکاتی از خواص مشابه قرار می‌گیرند؛^۳ تکثر معنایی،^۱ منظور معانی متعددی است که یک نماد می‌تواند در پیوستاری که یک سر آن قطب هنجاری و سر دیگر آن قطب عاطفی است، داشته باشد. معانی نماد در قطب هنجاری به عناصر نظم اجتماعی و اخلاقی جامعه، اصول سازمان اجتماعی و غیره مرتبط است؛ درحالی‌که در قطب عاطفی معطوف به ویژگی‌های روان‌شناختی و طبیعی است. ترنر در دریافت معنای یک نماد آیینی تمایز سه سطح از یکدیگر را حائز اهمیت می‌داند: الف) معنای تفسیری: اشاره به تفسیری دارد که بومیان از یک نماد بیان می‌دارند؛ ب) معنای عملکردی: اشاره به اینکه چگونه یک نماد در درون یک زمینه آیینی به کار می‌رود؛ ج) معنای موقعیتی: اشاره به معنایی دارد که از طریق ارتباط یک نماد با سایر نمادها در یک کلیت تعیین می‌شود.

درک نظری ویکتور ترنر از سویه‌های دراماتیک و نمایشی جامعه یا درواقع تلقی فرهنگ به مثابه اجرا و نمایش موجب شکل‌گیری گفت‌وگو میان انسان‌شناسی و مطالعات اجرا شده است. به‌طور مشخص مباحثه جدی ترنر و ریچارد شکنر به تشریک‌مساعی میان این دو حوزه علمی منجر شده است. هنرهای نمایشی مایه‌های مفهومی ارزشمندی برای ترنر فراهم آورد، از سویی دیگر مدل انسان‌شناختی آیین‌ها موجب درک کامل تئاتر و دیگر ژانرهای اجرایی را فراهم کرد. این گفت‌وگو در شکل‌گیری و رشد مطالعات اجرا بسیار حائز اهمیت بوده است. حاصل این گفت‌وگو را می‌توان به‌طور ویژه در دو اثر از آیین تا تئاتر^۲ ترنر و مابین تئاتر و انسان‌شناسی^۳ شکنر مشاهده کرد.

آنچه در بالا ذکر شد، تلاشی برای ارائه صورتی مختصر از مشارکت ویکتور ترنر در سیستم نظری و مفهومی انسان‌شناسی است. همین صورت مختصر نیز جایگاه و اهمیت او را در انسان‌شناسی نمایان می‌کند. با وجود این،

این انسان‌شناس برجسته در ادبیات علوم اجتماعی ایران به‌طور عام و در ادبیات انسان‌شناسی کشور به‌طور خاص چندان شناخته شده نیست. بخش مهمی از این ناشناختگی ناشی از ترجمه نکردن آثار جدی او به زبان فارسی است. مگر در یکی دو مورد، آن‌هم از مقالات کوتاه ترنر هیچ اثر مهم و تأثیرگذاری از او در متون علوم اجتماعی ایران وجود ندارد. آنچه در ادبیات علوم اجتماعی ایران دربارهٔ این اندیشمند وجود دارد، محدود به متون دسته دومی است که به‌صورت بسیار موجز به معرفی اندیشه‌های او در قالب بحث از متفکران تأثیرگذار دربارهٔ نظریه‌های انسان‌شناسی یا انسان‌شناسی دین و غیره پرداخته‌اند. این مجموعه با هدف معرفی دقیق‌تر و یک‌تور ترنر به جامعه علمی کشور گردآوری و ترجمه شده است. این مجموعه در سه بخش و نه فصل سازمان‌دهی شده است. بخش اول با عنوان «تحلیل فرایند محور» شامل دو نوشتار دربارهٔ مفهوم جماعت‌واره و یک مقاله دربارهٔ تضادهای روستایی در میان ندمبوها می‌شود.

بخش دوم که بخش عمده کتاب را شکل می‌دهد، از پنج فصل تشکیل شده است. این بخش که به‌طور ویژه‌تر به دغدغه‌مندی ترنر دربارهٔ تلقی فرهنگ به‌مثابه اجرا می‌پردازد، در نتیجه توجه کردن به تجارب شخصی در لحظات اجرای فرهنگ اختصاص یافته است و با عنوان «اجرا و تجربه» صورت‌بندی شده است.

در بخش سوم نیز کتاب‌شناسی‌ای از آثار ترنر از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۶ ارائه شده است. در زیر مروری خلاصه‌وار بر فصول نه‌گانه این کتاب داریم.

در فصل اول کتاب با عنوان «جماعت‌واره: مدل و فرایند» که در اصل فصل چهارم کتاب فرایند آیینی ترنر است، نویسنده به مطالعه زمینه‌های مختلف جنبه‌های فراساختاری روابط اجتماعی می‌پردازد. ترنر با استدلال اینکه امر اجتماعی با ساختار اجتماعی همسان نیست و وجوه دیگری از روابط اجتماعی وجود دارد که آن را جماعت‌واره می‌نامد، آغاز به بحث می‌کند. ترنر جماعت‌واره‌ها را به سه دسته تقسیم کرده است و با توجه به اینکه تأکید او بر چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های مذهبی است، به دنبال گروه‌ها، انواع یا افرادی

است که از نظر ساختار جایگاه پایینی دارند و نمادِ جماعت‌واره‌های بهنجار و ایدئولوژیک به‌شمار می‌روند. ترنر معتقد است که میان سیستم‌های ساختاری یکپارچه و جماعت‌واره‌ها تفاوت‌های بسیاری است و تنها از طریق مطالعه میدان‌های اجتماعی می‌توان به آن‌ها دست یافت؛ پس او با مثال‌های ادبی و تاریخی (اثر ادبی شکسپیر، آیین فرانسیسکنی، جنبش در بنگال، آثار دیموک در هند، کایتانیا و غیره) جماعت‌واره ایدئولوژیک و خودانگیخته را نشان می‌دهد و به تحلیل کثرت این فرایندها، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌ها می‌پردازد.

ترنر در بخش سوم کتاب «فرایند آیینی: ساختار و ضدساختار» که فصل دوم این کتاب را شکل داده است، به ماهیت و مشخصات مرحله آستانگی مناسب‌گذار با توجه به نظریات وان جنپ درباره این آیین می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که در دوران آستانگی معنا و مفاهیم را نمادها بیان می‌کنند و بر وضعیت بینابینی و عدم وابستگی به طبقه اجتماعی خاصی دلالت می‌کند؛ سپس نویسنده مفهوم جماعت‌واره را در مقابل جامعه قرار داده است تا تمایز میان کیفیت روابط اجتماعی را نشان دهد؛ همچنین، او بیان می‌کند که آستانگی به این معناست که بزرگان به مراتب بالادست نمی‌یابند، مگر آنکه توده ضعیف و رنجبر از آن‌ها حمایت کنند.

او با در نظر گرفتن و توصیف پدیده‌های بسیار متنوعی، همچون نوکیشان در فاز آستانه مناسب تا بومیان، ملل کوچک، دلقک‌های درباری و غیره سعی بر تبیین آن‌ها دارد. این تنوع مراسم از یک آشفتگی اجتماعی پرده برمی‌دارد که ما را در تعریف ساختار اجتماعی دچار مشکل می‌کند. بسیاری از تعاریف در علوم اجتماعی به ایده ترتیبات منزلتی و سمت‌ها اشاره دارند و بسیاری از آن‌ها به نهادینه‌سازی و تداوم و بقا دلالت دارد و معتقد است، مفهوم تضاد در ارتباط با مفهوم ساختار اجتماعی قرار می‌گیرد و این امر بدین سبب است که ایجاد تنوع بین اجزاء باعث به وجود آمدن تضاد میان آن‌ها می‌شود و منابع کمیاب باعث رقابت بین اشخاص و گروه‌ها می‌شود. درنهایت، ترنر بیان می‌کند که جماعت‌واره‌ها زمانی به وجود می‌آیند که ساختار اجتماعی غایب است. جماعت‌واره‌ها از لایه‌های ساختارها و از درون آستانگی سر برمی‌آورند؛

همچنین، جماعت‌واره‌ها از لایه‌های پایین‌دست ساختارها و از مراتب پایین سرچشمه می‌گیرند. آستانگی در حاشیه بودن و پایین مرتبگی ساختاری همگی موقعیت‌هایی هستند که به صورت نمادین خلق می‌شوند. برخی از این تضادهای همیشگی که همان ساختار و جماعت‌واره هستند، در یک جامعه ظاهر می‌شوند، اما در نهایت از تلفیق این دو موقعیت‌ها انسانی به وجود می‌آید که انسان را به هم‌نوع خود پیوند می‌زند.

فصل سوم کتاب مقاله‌ای است که ترنر آن را ابتدا در سال ۱۹۶۴ در جلسه سالیانه انجمن انسان‌شناسی آمریکا ارائه کرد؛ سپس ادیث ترنر همسر ویکتور ترنر آن را در کنار برخی دیگر از مقالات ترنر در کتاب *بر لبه پرتگاه* منتشر کرد. ترنر در این مقاله که به بررسی تعارضات روستایی در میان ندمبوها می‌پردازد، بیش از همه به دنبال نشان دادن رویکرد فرایند محورش در بررسی واقعیت اجتماعی است. درواقع ترنر با بررسی تنش‌هایی حول برگزاری آیین ختنه پسران موسوم ماکاندا می‌خواهد نشان دهد که جامعه بیشتر فرایندی همراه با برخی ویژگی‌های نظام‌مند دارد تا یک نظام منسجم بسته، مانند ماشین یا ارگانسم. چنان‌که ترنر در این مقاله نشان می‌دهد، روستای نیالوهانا یکی از روستاهای با اهمیت ندمبو است که در مقابل جریان مدرن به شدت مقاومت و مخالفت کرده است. به تعبیر ترنر این روستا به منظور پابندی به ارزش‌های سنتی، رژیم باستان را بازنمایی می‌کرد. این روستا به طور سنتی از اقتدار ویژه‌ای در میان روستاهای بحث‌شده در این مقاله برخوردار بوده است. این اقتدار با در اختیار داشتن مهم‌ترین جایگاه‌ها و پست‌های آیینی تثبیت و بازتولید می‌شود. روستاهای رقیب از جمله روستای ماچامبا نیز برخی امتیازات سنتی را کسب کرده بودند که به آن‌ها این فرصت را می‌داد که بر سر قدرت با نیالوهانا وارد رقابت و چانه‌زنی شوند. از سویی چون در مقابل جریان مدرن شهری انعطاف بیشتری به خرج داده بودند، پابندی‌شان به برخی ارزش‌های سنتی از جمله اقتدار سنتی نیالوهانا سست شده بود؛ بنابراین، ملغمه‌ای از ملاحظات سنتی و مدرن آن‌ها را وادار به بهره جستن از فرصت ماکاندا برای بازتعریف سیستم‌های منزلت‌بخش منطقه کرد. روز برگزاری آیین روستاهای رقیب، دست به هر کار و

دسیسه‌ای برای از بین بردن برتری نیالوهانا و برتری یافتن خود می‌زدند؛ اما نیالوهانا در سه موقعیت آیینی منتهی به برگزاری جشن به‌گونه‌ای عمل می‌کردند که به‌طور کامل ابتکار عمل را به‌دست می‌گرفتند و اقتدار خود را تثبیت می‌کردند. در واقع مادامی که موقعیت به لحاظ سیاسی تعریف می‌شود، به نظر می‌رسد که ماچامابی‌ها دست‌کم در نامزد کردن ختنه‌گران ارشد موفق هستند؛ چراکه آن‌ها از نظر تعداد دست‌برتر را دارند و همچنین، بهتر سازمان‌دهی شده‌اند و نسبت به عناصری که به تغییرات مدرن حساس‌اند، پذیرنده‌تر هستند؛ اما وقتی که چندین موقعیت آیینی پشت سرهم و بدون وقفه می‌آیند، این ارزش‌های سنتی است که مهم می‌شود و گروه نیالوهانا به‌طور نسبتاً محافظه‌کارانه بازی را در ندمبو، به‌منظور حراست و حتی ارتقای جایگاه خود به‌دست می‌گیرند.

در فصل چهارم کتاب ترنر ضمن بررسی دیدگاه‌های انسان‌شناسان پیشامدرن، مدرن و پسامدرن و ذکر نظریات تأثیرگذار بر تفکر خود، اندیشه خویش دربارهٔ انسان‌شناسی اجرا را شرح می‌دهد. وی معتقد است، انسان حیوانی است، خودایفاگر و اجراهای او به‌صورت فردی یا جمعی بازتابنده هستند، بدین معنی که از این طریق خود را بهتر می‌شناسد یا به شناخت دیگران کمک می‌کند. اجرا یا نمایش اجتماعی، فرایندی برای تغییر ارزش‌ها و غایت‌های ویژه و نوعی فراثاتر است. وی نمایش اجتماعی را به‌مثابه واحدهایی از فرایند اجتماعی هماهنگ یا ناهماهنگ که در موقعیت‌های متضاد رخ می‌دهند، تعریف می‌کند. در ساختار متوالی ویژه نمایش اجتماعی، ارتباط ساختاری بین اجزای شناختی، عاطفی و کردار بارز است؛ گرچه همهٔ این فرایندهای روان‌شناختی در هر مرحله از یک نمایش اجتماعی همراه یکدیگر هستند، در هر مرحله یکی از این فرایندها بر دیگری برتری می‌یابد. بنابر دیدگاه ترنر نمایش اجتماعی واحدی تجربی از فرایند اجتماعی است که گونه‌های مختلفی از اجزای فرهنگی از آن مشتق شده‌اند و دائماً از آن مشتق می‌شوند. به‌ویژه وجه جبرانی که منبع تولید اجراهای فرهنگی است، اجراهای فرهنگی و داستان‌گویی‌هایی که نه‌تنها در نمایش اجتماعی ریشه دارند؛ بلکه

نمایش اجتماعی را ادامه می‌دهند تا مفهوم و نیرویی از آن بیرون بکشند. دانش اجتماعی ما محصول مشارکت با واسطه یا بی‌واسطه در انواع نمایش‌های فرهنگی اجتماعی است.

ترنر در فصل پنجم به دنبال پیوند میان تجربه و اجراست. او در تلاش است تا میراث اجتماعی برجای مانده از زندگی‌های زیستی منسوخ‌شده را به واسطه اجرای آن‌ها در قالب مناسک، جشنواره، تئاتر و دیگر صور فعالانه به بهترین شکل ممکن دوباره تجربه شوند. بر این اساس، ترنر از نظریات ساختارهای تجربی ديلتای استفاده کرده است که تفاوت اصلی میان ساختارگرایی و پدیدارشناسی را به روشنی نشان می‌دهد. به عبارتی تمایز میان اندیشه‌های لوی/استروس و ديلتای را نشان می‌دهد و با استفاده از این پیشینه مطالعاتی سعی در ساختن یک نمونه انسان‌شناسی تجربه در معنای ديلتایی دارد که تا حدی به واسطه پژوهش‌های اخیر انسان‌شناسی در حوزه اجرا و کنش نمادین فرهنگی پیراسته شود.

ترنر در این بحث می‌کوشد که مفهوم درام اجتماعی‌اش را که معتقد است، هیچ‌گاه نسخه بدیلی از شرایط اجتماعی پیش از وقوع آن (درام اجتماعی) وجود نخواهد داشت، در چهار مرحله نشان دهد؛ همچنین، او درباره معنای تجربه نیز به فرهنگ وستر ارجاع می‌دهد و پنج معنای اصلی نسبت داده‌شده به معنای مدرن تجربه اشاره می‌کند. هدف او از این ارجاعات بیان کردن مفهوم اصلی واژه تجربه و چگونگی استفاده کردن آن در پژوهش‌های میدانی است.

این موضوع کمی قبل‌تر از زبان ديلتای پدیدارشناس بیان شده بود که شناخت دیگران به بهترین حالت از طریق تفسیر عینیت‌ها و تجلیات یک ذهن دیگر است. تجلیاتی که ممکن است در جهان فرهنگی اجتماعی، در جهان قوانین، سیاست، هنر، دین و زبان و ژست‌ها و به‌طور خاص برای پژوهشگران میدانی در اجتماع تجربیات مشترک جاری یافت شوند؛ بنابراین، پژوهشگران میدانی باید به مراتب بیش از پیش توجه حرفه‌ای خود را به اجراها، روایت‌ها، تاریخ‌های زندگی، تاریخ‌های موردی، زندگینامه‌ها و مشخصاً هر شکلی از اسناد شخصی معطوف کنند که اجرا و اجرای دوباره واحدهای معنایی یک فرهنگ

پویا درام‌های اجتماعی و موارد شناخته‌شده سیاسی آن شکلی از تفهم و ادراک میان فرهنگی است.

ویکتور ترنر در فصل ششم این کتاب سعی کرده است تا بار دیگر با استفاده از نظریات ديلتای و مقایسه آن با نظریات جان دیویی در کتاب هنر به منزله تجربه، پیوندی میان تجربه و مطالعات انسان‌شناسانه به‌خصوص در حوزه درام اجتماعی برقرار کند. او معتقد است که ديلتای در تعریف تجربه بر فرهنگ و روان‌شناسی تأکید می‌کند و در مقابل دیویی به بُعد بیولوژیکی آن نزدیک است؛ اما باید در نظر داشت، تأکید هر دو بر این امر است که زیبایی‌شناسی در تجربه عقلانی بشر معطوف به آفریده شدن بوده است و نشئت گرفته از یک حوزه ایدئال نیست. بر این اساس، ترنر معتقد است که فرهنگ به‌طور مستقیم عامل تأثیرگذار بر درام اجتماعی است و با بیان نظریات دیگر محققان نشان می‌دهد که چگونه تعارضات سبب شناخت مخالفان نسبت به منبع خود شده است و آن‌ها را کاملاً با مواضع و اصولی فراتر از موارد گذرای اختلاف‌برانگیز پیوند می‌دهد. درنهایت ترنر در این نوشتار سعی می‌کند که انسان‌شناسی تجربی را در اشکال خاص تجربیات اجتماعی متناوب و منابع فرم‌دهنده زیبایی‌شناسی کشف کند.

در فصل هفتم کتاب ویکتور ترنر و همسرش، ادیث ترنر، با داشتن سابقه چندین ساله تحقیقات مردم‌نگاری در فرهنگ‌های مختلف، تجربه خود را در تدوین و اجرای نمایشنامه‌های انسان‌شناسی با کمک دانشجویان انسان‌شناسی و تاثیر تشریح می‌کنند. درواقع هدف آن‌ها درک و تمرین مواجهه با آداب و رسوم و ساختارهای آیینی فرهنگ‌های گوناگون در قالب بازی و نمایش و درون یک مراسم ساختگی است. این نوشته نمایشی از آداب ازدواج (به لحاظ ساختاری، فرهنگی و نیز از نظر پویایی‌های اجتماعی) در منطقه ویرجینیای مرکزی را تشریح می‌کند که با کمک نویسندگان مقاله و دانشجویان در دانشگاه ویرجینیا طراحی شد و طی آن کل دیپارتمان انسان‌شناسی به‌عنوان شرکت‌کنندگان در یک مراسم ازدواج ساختگی ایفای نقش کردند. در طول اجرا از دانشجویان خواسته شد تا به توصیف یا نگارش برداشت‌ها و ادراکات خود از مراسم بپردازند.

فاصله گرفتن و لغزش بازیگران از نقش‌ها و چهارچوب‌هایی که خود را در آن قرار داده بودند، مورد توجه محققان بوده است. اغلب شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که در این مراسم ساختار فرهنگی و روان‌شناختی ازدواج آمریکایی را حتی بهتر از ازدواج‌های دنیای واقعی درک کرده‌اند. نویسندگان مقاله این مراسم را نخستین تلاش برای بازی کردن و اجرای مردم‌نگاری دانستند. نگارندگان با توضیح چند نمونه دیگر از اجرای مردم‌نگاری با این روش، هدف خود را تلاشی برای بیشتر فروبردن دانشجویان به درون فرهنگ‌هایی ذکر کردند که در تک‌نگاری‌ها و پایان‌نامه‌های انسان‌شناسی درباره آن‌ها مطالعه می‌کنند.

این زوج انسان‌شناس به عنوان مزیت این رویکرد آموزشی اذعان دارند که تحقیقات میدانی با روش اجرای آیین‌های شبیه‌سازی شده می‌تواند مردم‌نگاری را تقویت کند؛ البته طبق تجربه ویکتور و ادیث ترنر، مؤثرترین مردم‌نگاری اجرا شده، صرفاً شبیه‌سازی یک آیین یا مراسم که از زمینه فرهنگی خود کنده شده نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اعمال و صحنه‌هایی است که به کمک مشاهدات دقیق شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد. درواقع آیین‌ها نباید از چهارچوب‌های فرایند اجتماعی جدا شوند. مقاله تأکید دارد که با این روش می‌توان دانشجویان را به‌طور روشن از اشتراکات درونی و تفاوت‌های فرهنگی درباره طیف وسیعی از جوامع انسانی آگاه کرد. روشی که در عمل، جدا کردن قطعه‌ای اساسی از زمان به‌منظور آشناسازی دانشجویان با فرهنگ و سیستم اجتماعی گروهی است که نمایش‌های آن را اجرا می‌کنند. نگارندگان یادآوری می‌کنند که داده‌های به‌دست‌آمده با این روش باید به‌صورت نمایشنامه درآیند؛ همچنین، بعد از پایان کار، تمامی جنبه‌های اجرا باید در قالب بیان ذهنیات بازیگران، کارگردان، نمایشنامه‌نویس و مخاطبان مرور شود. در پایان تأکید می‌شود که هر فرهنگ سهمی از ایجاد دانش مشترک جامعه انسانی دارد و ما می‌توانیم تجربه‌ای مشترک از زندگی «برادر و خواهرمان» داشته باشیم.

ترنر در آخرین فصل بخش دوم این کتاب به پیامدهای مطالعه مذهب راجع به سازگاری احتمالی فرهنگ‌ها و خزانه‌های ژنتیکی که در فرضیه‌های اخیر بیان شده می‌پردازد. او در ابتدا برای روشن کردن این موضوع به

تقسیم‌بندی دو نیمکره راست و چپ پرداخته است و چگونگی فائق آمدن هر یک از دو نیمکره بر دیگری را توضیح داده و نشان می‌دهد که محققان دیگر نیز در صدد برآمدند که دو مفهوم ارگوتراپیک و تروفوتراپیک و چگونگی کارکرد آن‌ها را با این دو نیمکره پیوند دهند. این گونه مطالعات نورویولوژیکی در صدد آن است تا با نشان دادن تحریک‌پذیری هر کدام از سیستم‌های عصبی به تحلیل چگونگی شکل‌گیری حالت خلسه‌های مناسکی دست یابد. ترنر معتقد است که محققان میان نمایش و عملکرد جدی مغز تمایز قائل شده‌اند و این درست نیست؛ زیرا که نمایش شریک رقص دیالکتیکی مناسب است و محققان کمتر به آن اشاره کرده‌اند. او با استدلال دقیق مفهوم نمایش و چگونگی انجام آن مباحث علمی مرتبط با سیستم مغزی را رد می‌کند و نمایش را یک امر استعلایی می‌نامد. بر همین اساس معتقد است که باید با سیستم‌های عصبی تخصصی‌تری در ارتباط باشد تا اینکه از آن‌ها جدا باشد. به باور او نمایش مواد خود را از تمام وجوه تجربه، هم از درون محیط اجتماعی فرهنگی و هم از محیط بیرونی اخذ می‌کند. در نهایت ترنر نمایش را یک پدیده آستانه‌ای برمی‌شمرد و آن را یک حالت شرطی برشمرده است که بر این اساس نمایش نه در نیمکره چپ قرار گرفته است و نه در نیمکره راست. در اصل نمایش به طیف کاملی از تجربه معاصر و ذخیره‌شده در فرهنگ می‌پردازد و می‌توان گفت شاید بازی کردن یک نقش مشابه در ساخت اجتماعی واقعیت به مثابه جهش و دگرگونی در تکامل ارگانیک است.

آخرین فصل کتاب نیز به گردآوری کتاب‌شناسی ترنر از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۶ اختصاص یافته است. در این کتاب‌شناسی تلاش شده است تا حد امکان تمام آثار مهم و اصلی ویکتور ترنر و بیشتر آثار کم‌اهمیت‌تر او در نظر گرفته شود.

امیدواریم در شرایط فعلی و به واسطه ادبیات اندک نظریات انسان‌شناختی که در هزارتوی سیطره نظریات دیگر چندان قوت برای آن‌ها نداشته است، این کتاب بتواند دریچه‌ای برای شناخت هرچه بیشتر از امکان‌ها و قابلیت‌های نظریات و مفاهیم یکی از بزرگان انسان‌شناسی مدرن فراهم کند و در فهم و

تحلیل بخش‌های مختلف جامعه ایرانی، به‌ویژه عرصه‌های آیینی و جماعت‌های آیینی و همچنین، لزوم درک فرایندی و پویا از فرهنگ و جامعه ایرانی مؤثر واقع شود.

علوم اجتماعی ایران دچار نوعی فقر مفهومی و نظری است. تقلیل‌های ساختارگرایانه در گفتمان‌های غالب علوم اجتماعی ایرانی عملاً محدودیت‌های زیادی را در فهم اجتماع و فرهنگ ایران سبب شده است. آنچه سنت انسان‌شناسی به دلیل تأکید بر فهم پویا و همچنین مبتنی بر درک همدلانه واقعیت جاری دارد، می‌تواند زمینه‌ای برای خروج از انقباض مفهومی و ایستایی نظری در برخی وجوه علوم اجتماعی ایران شود. ترنر نمونه موفقی برای نظریه‌پردازی خلاقانه در علوم اجتماعی است؛ از این رو نه تنها برای دانشجویان و محققان حوزه انسان‌شناسی، بلکه برای محققان تمام عرصه‌های علوم اجتماعی فرصتی برای تفکر خلاق و پویا درباره جامعه و فرهنگ است.

سنت انسان‌شناسی ایران از فقر شدید تجربه میدانی و نظریه‌پردازی مبتنی بر میدان رنج می‌برد؛ اما معرفی الگوهای برتر در این عرصه تلفیق و خلاقیت در میدان و نظریه می‌تواند بستری برای تغییر وضع موجود باشد. در نهایت از تمامی همکاران و دوستانی که در ترجمه و گردآوری این مجموعه یاریگر ما بودند، کمال سپاسگزاری را داریم. این اثر در قالب فعالیت‌های علمی «انسان‌شناسی و فرهنگ» انجام شده است و به واسطه حمایت‌های این مؤسسه به بار نشسته است. خوانندگان نکته‌سنج با گوشزد کردن نواقص این کتاب ما را در گردآوری مجموعه‌های منسجم‌تر و شناساندن جامع‌تر و ویکتور ترنر به جامعه علمی کشور دل‌گرم خواهند کرد.

جبار رحمانی

موسی‌الرضا غربی